

آیا عمر بن خطاب ، فقط تهدید کرده است ؟

طرح شبهه :

آنچه در روایات ثابت است عدم اثبات سوزاندن خانه حضرت زهرا (رضی الله عنها) توسط حضرت عمر فاروق (رضی الله عنه) و بسنده نمودن حضرت عمر فاروق (رضی الله عنه) به تهدید مصلحت آمیز ، است .

در هیچ جای روایات صحیح به سوزاندن خانه حضرت زهرا (رضی الله عنها) تصریح نشده است و اگر تهدید محض بمثابه سوزاندن خانه حضرت زهرا محسوب می شود؛ پس تهدیداتی که از رسول اکرم (ص) نقل شده است، باید به حقیقت حمل شود . چنانکه می فرماید :

إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي أَنْ أُحَرِّقَ قَرِيْشًا .

خداوند به من دستور داده تا قریش را بسوزانم .

النيسابوري، مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري (متوفاي 261هـ)، ج 4، ص 2197، ح 2865، باب الصَّفَاتِ التي يُعْرَفُ بها في الدُّنْيَا أَهْلُ الْجَنَّةِ وَأَهْلُ النَّارِ، كتاب الإيمان، بَاب بَيَانِ الْكِبَائِرِ وَأَكْبَرِهَا، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.

عن أبي هريرة أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَمُرَ بِحَطَبٍ فَيُحْطَبَ ثُمَّ أَمَرَ بِالصَّلَاةِ فَيُؤَدَّنَ لَهَا ثُمَّ أَمَرَ رَجُلًا فَيَوْمِّمُ النَّاسَ ثُمَّ أَخَالَفَ إِلَيَّ رِجَالٌ فَأَحْرَقَ عَلَيْهِمْ بُيُوتَهُمْ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ يَعْلَمُ أَحَدُهُمْ أَنَّهُ يَجِدُ عَرَقًا سَمِينًا أَوْ مِرْمَاتَيْنِ حَسَنَتَيْنِ لَشَهِدَ الْعِشَاءَ

قسم به ذاتی که جانم در دست اوست، قصد کرده ام تا دستور به جمع آوری هیزم دهم سپس مؤذن را بگویم تا اذان دهد و شخصی را برای امامت مردم مقرر نمایم و خود به خانه متخلفان بروم و خانه هایشان را بر آنان آتش زنم .

البخاري الجعفي، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله (متوفاي 256هـ)، صحيح البخاري، ج 1، ص 231، 618، كتاب الْجَمَاعَةِ وَالْإِمَامَةِ، باب وَجُوبِ صَلَاةِ الْجَمَاعَةِ، تحقيق د. مصطفى ديب البغا، ناشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت، الطبعة: الثالثة، 1407 - 1987.

اما هیچ عاقلی از روایات پیشین بر سوزاندن قریش و متخلفان از نماز جماعت توسط پیامبر اسلام (ص) استدلال نمی نماید، و می داند که منظور پیامبر (ص) اهمیت دعوت به مسأله ی توحید و نماز با جماعت بوده است؛ لذا تأکید و تصریح به سوزاندن خانه ی حضرت زهرا (رضی الله عنها) توسط عمر فاروق به دور از انصاف و از روی تعصب است .

نقد و بررسی :

قیاس این دو تهدید با یکدیگر، قیاس مع الفارق است؛ چرا که بین تهدید به آتش زدن بیت فاطمه با تهدیدی که از رسول خدا درباره متخلفان از نماز جماعت نقل شده است، هیچ گونه شباهتی وجود ندارد؛ زیرا:

اولاً: این روایت در کتاب های شما آمده است و شما باید به چیزی استدلال کنید که نزد ما حجت باشد؛

ثانیاً: نمی توان مدلول آن را پذیرفت؛ چرا که از اخلاق نیک پیامبر بعید است که به خاطر یک عمل مستحبی و نه واجب، مردم را تهدید به آتش زدن نماید. هنگامی که خداوند چنین تهدیدی نکرده است، آیا پیامبر می تواند مردم را فقط به خاطر عدم شرکت در نماز جماعت تهدید به آتش زدن نماید؟ استحباب عمل با تهدید به آتش زدن در تضاد و با اصل شریعت سازگاری ندارد.

ثالثاً: طبق نقل طبري و ابن ابی شیبہ، عمر قسم می خورد که اگر اجتماع کنندگان در خانه امیرمؤمنان علیه السلام برای بیعت با ابوبکر بیرون نیابند، خانه را با اهلش به آتش خواهد کشید و حضرت زهرا سلام الله علیها نیز سخن عمر را برای امیرمؤمنان علیه السلام و زبیر یادآور شده و به خداوند سوگند می خورد که عمر به قسم خود وفا خواهد کرد:

وَإِيمُ اللَّهِ مَا ذَاكَ بِمَانِعِيَّ إِنِ اجْتَمَعَ هَؤُلَاءِ النَّفَرُ عِنْدَكَ أَنْ أَمْرَ بِهِمْ أَنْ يُحْرَقَ عَلَيْهِمُ الْبَيْتُ. قَالَ فَلَمَّا خَرَجَ عُمَرُ جَاؤُوهَا فَقَالَتْ: تَعْلَمُونَ أَنَّ عُمَرَ قَدْ جَاءَنِي وَقَدْ حَلَفَ بِاللَّهِ لَنْ عُدْتُمْ لِيُحْرَقَنَّ عَلَيْكُمْ الْبَيْتُ، وَإِيمُ اللَّهِ لِيَمُضِينَ مَا حَلَفَ عَلَيْهِ.

به خدا سوگند، گرد آمدن این افراد در خانه تو مانع از آتش زدن خانه نخواهد شد. هنگامی که عمر رفت، علی (ع) و زبیر به خانه بازگشتند، دخت گرامی پیامبر به علی و زبیر گفت: عمر نزد من آمد و سوگند یاد کرد که اگر اجتماع شما تکرار شود، خانه را بر شماها بسوزاند، به خدا سوگند! آنچه را که قسم خورده است انجام می دهد!

ابن ابی شیبہ الکوفی، أبو بکر عبد الله بن محمد (متوفای 235 هـ)، *الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار*، ج 7، ص 432، ح 37045، کتاب المغازی، باب ما جاء في خلافة ابي بكر وسيرته في الرده، تحقیق: کمال یوسف الحوت، ناشر: مکتبة الرشد - الرياض، الطبعة: الأولى، 1409 هـ.

و از طرف دیگر این مطلب قطعی است که امیرمؤمنان علیه السلام به تهدید های عمر توجیهی نکرد و حاضر به بیعت نشد.

محمد بن اسماعیل بخاری می نویسد:

فَوَجَدَتْ فَاطِمَةَ عَلِيَّ أَبِي بَكْرٍ فِي ذَلِكَ فَهَجَرَتْهُ، فَلَمْ تُكَلِّمَهُ حَتَّى تُوفِّيَتْ، وَعَاشَتْ بَعْدَ النَّبِيِّ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، سِتَّةَ أَشْهُرٍ...
وَلَمْ يَكُنْ يَبَايِعُ تِلْكَ الْأَشْهُرَ.

حضرت فاطمه سلام الله علیها بر ابوبکر غضب نمود، با وی قهر کرد و با او سخنی نگفت تا از دنیا رفت، آن حضرت پس از پیامبر (ص) شش ماه زندگی کرد... و علی (ع) در این شش ماه با ابوبکر بیعت نکرد.

البخاری الجعفی، محمد بن إسماعیل أبو عبدالله (متوفای 256 هـ)، *صحیح البخاری*، ج 4، ص 1549، ح 3998، کتاب المغازی، باب غزوة خيبر، تحقیق د. مصطفی ديب البغا، ناشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت، الطبعة: الثالثة، 1407 - 1987.

النيسابوري، مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري (متوفای 261 هـ)، *صحیح مسلم*، ج 3، ص 1380، ح 1759، کتاب الجهاد والسير، باب قول النبي لانورث، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بیروت.

بنابراین سوگند عمر که اگر بیعت نکند خانه را به آتش خواهیم کشید موضوعی قطعی و یقینی است و از طرفی امیرمؤمنان علیه

السلام برای بیعت حاضر نشد؛ پس عمر تهدید خود را عملی کرده و خانه را به آتش کشیده است.

شاهد دیگر این مطلب، روایتی است که بلاذری در همین باره نقل می کند:

فلم یبایع، فجاء عمر و معه فتیلة. فتلقته فاطمة علي الباب فقالت فاطمة: یابن الخطاب! أترک محرّقاً عليّ بآبی؟! قال: نعم.

چون علی علیه السلام با ابوبکر بیعت نکرد، عمر با شعله آتش به طرف خانه فاطمه (علیها السلام) رفت. فاطمه (علیها السلام)

پشت در خانه آمد و گفت: ای پسر خطاب! آیا تو می خواهی خانه مرا آتش بزنی؟ عمر پاسخ داد: آری!

البلاذری، أحمد بن یحیی بن جابر (متوفای 279هـ)، أنساب الأشراف، ج 1، ص 252.

رابعاً: همان طور که گذشت، سوگند یاد کردن عمر که خانه را با اهلش به آتش خواهد کشید، قطعی است، و چون قسم خورده

است، یا مدلول قسم را عملی کرده که حرف شیعه ثابت است و یا عملی نکرده؛ پس لازم بود کفار حنث قسم بپردازد، آیا شما

دلیلی و لو یک روایت ضعیف پیدا می کنید که عمر کفار شکستن قسم را پرداخته باشد؟

خامساً: ما می گوئیم عمر تهدیدش را عملی کرد؛ زیرا ابوبکر که دستور آتش زدن و حمله کردن به خانه وحی را داده بود، در آخر

عمرش سخت پشیمان شده بود.

قال أبو بكر رضي الله تعالى عنه: أجل إنني لا آسي علي شيء من الدنيا إلا علي ثلاث فعلتهن وددت أني تركتهن وثلاث تركتهن

وددت أني فعلتهن وثلاث وددت أني سألت عنهن رسول الله صلي الله عليه وسلم فأما الثلاث اللاتي وددت أني تركتهن فوددت

أنني لم أكشف بيت فاطمة عن شيء وإن كانوا قد غلقوه علي الحرب....

من به چیزی در دنیا تأسف نمی خورم، مگر بر سه چیز که انجام دادم و سه چیزی که انجام ندادم و سه چیزی که کاش از رسول

خدا (ص) می پرسیدم: دوست داشتم خانه فاطمه را هتک حرمت نمی کردم هر چند برای جنگ بسته شده شود....

الطبري، محمد بن جرير (متوفای 310هـ)، تاريخ الطبري، ج 2، ص 353، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت؛

الذهبي، شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان، (متوفای 748هـ)، تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام، ج 3، ص 118، تحقيق د. عمر عبد

السلام تدمري، ناشر: دار الكتاب العربي - لبنان/ بيروت، الطبعة: الأولى، 1407هـ - 1987م.

مسعودي شافعی در کتاب اثبات الوصیه تصریح می کند که عمر خانه را به آتش کشیده است:

فهجموا عليه وأحرقوا بابه واستخرجوا منه كرهاً وضغطوا سيّدة النساء بالباب حتّي أسقطت محسناً.

... پس قصد خانه علی کردند و بر او هجوم آوردند و خانه اش را آتش زدند و او را به زور از خانه بیرون آوردند، سرور زنان

(فاطمه) را بین دیوار و در فشار دادند تا فرزندش محسن را سقط کرد.

المسعودي، أبو الحسن علي بن الحسين بن علي (متوفای 346هـ)، اثبات الوصیه، ص 143.

تاج الدین سبکی نام مسعودی را در زمره عالمان شافعی آورده و او را مورخ، صاحب فتوا و علامه می داند:

علي بن الحسين بن علي المسعودي صاحب التواريخ كتاب مروج الذهب في أخبار الدنيا وكتاب ذخائر العلوم وكتاب الاستذكار لما مر من الأعصار وكتاب التاريخ في أخبار الأمم وكتاب أخبار الخوارج وكتاب المقالات في أصول الديانات وكتاب الرسائل وغير ذلك. قيل إنه من ذرية عبد الله بن مسعود رضي الله عنه أصله من بغداد وأقام بها زماناً وبمصر أكثر وكان أخبارياً مفتياً علامة صاحب ملح وغرائب.

علي بن الحسين مسعودي، صاحب كتاب هاي تاريخي مروج الذهب... و دیگر کتاب ها است. گفته شده که او از فرزندان عبد الله بن مسعود بوده است، اصالتاً اهل بغداد و زمانی در آن جا و بیشتر در مصر ساکن بوده، او اخباري، داراي فتوا، دانشمند و... بود.

السبكي، تاج الدين بن علي بن عبد الكافي (متوفى 771هـ)، طبقات الشافعية الكبرى، ج 3، ص 456، تحقيق: د. محمود محمد الطناحي د. عبد الفتاح محمد الحلو، ناشر: هجر للطباعة والنشر والتوزيع - 1413هـ، الطبعة: الثانية.

سادساً: اگر فقط تهدید کرده هم باشد، همین تهدید نیز به تنهایی می تواند مشروعیت خلافت خلفا را زیر سؤال ببرد؛ چرا که ثابت می کند حضرت زهرا، امیر مؤمنان علیهما السلام و اصحاب آن حضرت با خلافت ابوبکر مخالف بوده اند و این مسأله افسانه اجماع بیعت با ابوبکر را زیر سؤال می برد.

نتیجه :

با توجه به تصمیم قطعی خلیفه دوم و سوگند هایی که یاد کرده، و از طرف دیگر با توجه به مدارکی که در کتاب های اهل سنت یافت می شود، عمر بن الخطاب فقط به تهدید کردن بسنده نکرده؛ بلکه آن را عملی نیز کرده است.

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج)